

تبلیغات دولت باطرد افشار کم درآمد

اوبا بیان اینکه باید دراموری مانند مسکن اجتماعی به در بطن جامعه بودن این پروژه‌ها و دسترسی به امکانات عمومی توجه ویژه کرد، می‌گوید: هزینه‌های اجتماعی مانند جرم و بزه، ممکن است به دلیل تجمع گروه‌های کم‌درآمد در محلی دور از جامعه افزایش یابد. بر همین اساس باید این مسکن‌ها در مناطقی باشد که اقشار کم‌درآمد را از مطرودشدن نجات دهد و امکانات را در اختیار همه قرار دهد. سعیدی در ادامه می‌افزاید: سیاستی که درحال‌حاضر در پیش گرفته شده، خانواده‌های کم‌درآمد را تحت پوشش قرار نمی‌دهد، زیرا در ایران حتی برای پرداخت یارانه‌ها، شناخت دقیقی از گروه‌های کم‌درآمد نداریم و فقط دهک‌های کم‌درآمد را می‌شناسیم. درحالی‌که باید در ابتدا گروه‌های کم‌درآمد شناسایی شوند و براساس منابع موجود برای آنها، امکان به‌وجودآوردن مسکن کم‌درآمدها از جمله مسکن برای بی‌کاران، گروه‌های آسیب‌پذیر (خانواده‌های بی‌امار، معلولان، زنان سرپرست خانوار و...) فراهم شود. در این صورت است که امکان تخصیص بهینه‌تر وجود دارد، در غیراین‌صورت این برنامه‌ها صرفاًمسکن را برای عده‌ای فراهم می‌کند که حداقل امکان اجاره مسکن را دارند و برنامه موفقی در مجموع نخواهد بود.

تبلیغات دولت با افزایش وام مسکن

این پژوهشگر حوزه رفاه را ادامه با بیان اینکه این اقدام تنها می‌تواند یک اقدام تبلیغاتی از سوی دولت پیش از پایان باشد، می‌گوید: وزارت مسکن و شهرسازی به عقیده من چهار سال دوم دولت روحانی را از دست دادند. اگر در همان زمان علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آغاز به شناسایی گروه‌های کم‌درآمد می‌کرد، درحال‌حاضر حتی برای اجرای طرح سهمیه‌بندی بنزین دچار مشکل نمی‌شدیم. آنها می‌توانستند قبل از اجرای این طرح، گروه‌های کم‌درآمد را مشخص کنند نه اینکه در عرض سه روز، گروه‌های هدف کمک‌معیشتی را در اجرای این طرح معرفی کنند. او با بیان اینکه تحقیق و ارزیابی دقیقی درباره شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیر در این کشور به‌طور مشخص نشده و فقط روی آمارهای جمعی پژوهش شده است، می‌گوید: درحال‌حاضر ۴۰ درصد فقرا بی‌کار و فقط ۶۰ درصد آنها شاغل هستند که البته شغل‌های با درجه پایین دارند اما هیچ آمار مشخصی وجود ندارد که این افسرد در کجا قرار گرفته‌اند. نمی‌توانید آنها را به‌صورت علمی شناسایی کنید. او با بیان اینکه مشکل دیگری که در این برنامه‌ها وجود دارد، آن است که هیچ ارزیابی‌ای از برنامه‌های به اجرا درآمده وجود ندارد، تصریح می‌کند: بعد از مدت‌ها که از پروژه مسکن مهر می‌گذرد و این همه انتقاد به آن می‌شود، هنوز گفته نمی‌شود که درک ساسن این سکونت در مسکن مهر آیا یک سکونت عادلانه است؟ آیا گروه‌هایی که در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند، گروه‌های آسیب‌پذیر هستند یا خیر؟ آیا تأثیر مسکن در زندگی آنها مثبت بوده یا خیر؟ در واقع هیچ آمار مشخصی از این داده‌ها و اطلاعات وجود ندارد.

شرق: هرگاه نام اولین رئیس‌جمهور بعد از انقلاب می‌آید، ناخودآگاه همه را یاد استیضاح و برکناری او در مجلس اول می‌اندازد. ابوالحسن بنی‌صدر در دورانی سر کار آمد که کشور هنوز آرامش نیافته بود؛ اما خود او نیز با جدل با دیگر بزرگان انقلاب بر آتش آن اتفاق‌ها اضافه می‌کرد. یکی از اتفاق‌هایی که در تاریخ ۴۰ساله اخیر ثبت شده است، مجادلات او با شهید بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور بود. بنی‌صدر هنگام پیروزی انقلاب، ۴۵ سال داشت. یک سال بعد و پس از استعفای دولت موقت، نخستین رئیس‌جمهور لقب گرفت و حتی فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت. او عضو شورای انقلاب نیز بود. شهید بهشتی نیز در آستانه انقلاب ۵۰ سال داشت و با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، نایب‌رئیس آن شد و نقش مهمی در تصویب قانون اساسی داشت. او یک سال بعد از انقلاب، به فرمان امام خمینی، دومین رئیس دیوان عالی کشور شد

که بالاترین مقام قضائی محسوب می‌شد و هم‌زمان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نیز بود. مرکز جدال این دو مقام را شاید بتوان از خاستگاه سیاسی آنان به دست آورد؛ آنجا که بهشتی و روحانیون همفکر او، حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرده بودند؛ اما بنی‌صدر از سوی گروه‌های دیگر انقلابی حمایت می‌شد. حزب جمهوری اسلامی توانسته بود حدود ۶۰ درصد آرا را در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی به دست آورد و چند روز بعد، نمایندگان این حزب، اکثریت کرسی مجلس شورای اسلامی را نیز به دست آوردند. همین باعث شده بود مخالفان شهید بهشتی او را به انحصارطلبی متهم کنند. حالا بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور در مقابل مجلسی قرار گرفته بود که طیفی از مخالفان او در آن حضور داشتند.

جدال در دانشگاه تهران

مهم‌ترین تقابل این دو تفکر، حدود شش ماه بعد از شروع جنگ بین ایران و عراق، در ۱۴ اسفند سال ۵۹ در دانشگاه تهران رخ داد. روزی که بنی‌صدر در سالگرد درگذشت محمد مصدق در این دانشگاه سخنرانی کرد، باعث درگیری‌های شدیدی بین طرفداران و مخالفان او شد؛ میتبکی که جریان سازمان مجاهدین خلق از متولیان اصلی برگزاری آن بود. حزب جمهوری اسلامی به‌طور رسمی اعلام کرده بود با سیاست‌های دولت در قبال جنگ مشکل دارد و اختلاف‌ها زیاد شده بود. آنها در بیانیه‌ای در مهر ۱۳۵۹، برخلاف دیدگاه ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور و فرمانده وقت کل قوا که بر جنگ کلاسیک با تکیه بر نیروهای ارتش تأکید کرده بود، از ضرورت بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌ها و جنگ مردمی گفته بودند.

بنی‌صدر در دانشگاه به شیوه‌ای سخن گفت که طرفداران خود را راضی کند و البته جوری حرف زد که مخالفان را نیز تحریک کند. همین باعث شد مخالفانش سعی کنند بلندگوهای دانشگاه را قطع کنند. او در جایی از سخنرانی گفت: «امروز این‌طور که به من گفته‌اند، نیروهای انتظامی را نه

باطوم دادن و نه وسیله داده‌اند. لاید این هم جزء برنامه بوده است. به‌رحال شما مردم آرامش خودتان را حفظ کنید. از برخورد تا می‌توانید خودداری نکنید. اگر اخطار ما مفید واقع نشد، آن‌وقت نوبت شماس‌ت که وارد عمل بشوید. با آرامش دانشگاه را ترک بگویید و از خدا بخواهید که این‌گونه اتفاق‌ها بنای وحدت این ملت را متزلزل نکند و امروز بحمدالله بسیاری چیزها از حرکت اینها بر ما معلوم شد».در میانه سخنرانی نیز عده‌ای به‌طور رسمی علیه آیت‌الله بهشتی شعار دادند و گفتند: «سردسته چماق‌داران بهشتی»، «بنی‌صدر، بنی‌صدر بحکم جهادم بده» و «ما پیرو قرآنیم، ما حزب (جمهوری اسلامی) نمی‌خواهیم».

به شعرهای جمعیت گفت: «دفعه پیش که صحبت کردم، عده‌ای تلفن کردند و نامه نوشتند که شما کوتاه آمدید. شاید حالا هم عده‌ای

از شما بروید و همین کار را بکنید؛ اما بدانید که از رئیس‌جمهوری خروس‌بازی و جنگ خروس نیست. کار رئیس‌جمهوری بیان حقایق و ایجاد آگاهی در مردم و گوشش است برای اینکه اساس وحدت در جامعه از بین نرود. آن مقدار از مخاطب هم که گفت، در مقام این بود که عده‌ای هستند که بدون اطلاع و خودسر عمل می‌کنند و وقتی که شما اینها را به پای عده‌ای دیگر بنویسید، پای کشور است. ما باید هر چیزی را تحقیق کنیم و تا به آخر برویم و کشور خودمان را محیط امنی بگردانیم. اینکه رئیس‌جمهوری برای صحبت بیاید و عده‌ای با اسلحه سرد و گرم برای اخلال بیایند، این جمهوری، جمهوری نیست که بتواند دوام بیاورد. مگر اینکه شما مردم همان‌طوری عمل نکنید که کردند، از این پس هم باید به این

سیاست

نامه سقوط بنی‌صدر



چماق‌دارها که معلوم است چه کسانی هستند، بگویم که بدانید و چماق‌هایتان را هم بشکنید. مگر از کار مغز چه زبانی دیدید که آن را با چماق عوض کردید؟ به‌جای چماق‌هایشان مغزهایتان را به کار بیندازید. آن‌وقت خواهید دید که جو اجتماعی ما تا کجا سالم، پاک و منزه خواهد شد». فردای آن روز، روزنامه «جمهوری اسلامی» که به این حزب تعلق داشت، هواداران بنی‌صدر را به حرمت‌شکنی، زدن کف و سوت در ایام محرم و پاره‌کردن عکس امام خمینی (ره) متهم کردند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز که در آن دوران عضو ارشد حزب جمهوری اسلامی و نماینده این حزب در مجلس اول بود، به این سخنرانی واکنش نشان دادند و گفتند: «گروهک‌های ضد اسلام از طرفی، گروهک‌های ضد خط امام، سیاست‌مداران منزوی‌شده از چشم مردم افتاده. این عناصر پلید و خبیث با یکدیگر یک واحد و یک طیف را به وجود آوردند. دیروز حادثه هم بود که گفتیم». روحانیون حوزه علمیه قم نیز دست به راهپیمایی اعتراضی زدند و بازارهای قم و کاشان بسته شد.

۱۶ اسفند نیز آیت‌الله گلیاپگانی تلگرمی به اصام خمینی زدند و از اختلاف‌ها و درگیری‌های اخیر ابراز نگرانی شدید کردند. این عکس‌العمل‌ها رئیس‌جمهوری را بر آن داشت تا یک روز بعد نامه‌ای خطاب به امام بنویسد. بنی‌صدر نوشت: «امروز دیگر همه می‌دانند که سازمان چماق‌داران را این اقایان می‌گرداند و با صراحت نیز تهدید می‌کنند. دایره تهدید دوربرد اینک نزدیک می‌شود و به نزدیک‌ترین کسان شما رسیده است... تصمیم با شماست... اگر در این اوضاع مصلحت است که این‌جانب بمانم، باید ترتیبی معین بفرمایید که هر روز یک باری درنیاورند... سه روز بعد او دوباره نامه دیگری می‌نویسد: «لااقل یک بار هم شده در قول این آقایان شک کنید...».

نامه آیت‌الله بهشتی به امام

اختلافات میان دو قوه چنان مشخص و واضح بود که شهید بهشتی را بر آن داشت در ۲۲ اسفند ۵۹، به امام نامه‌ای بنویسد و از دوگانگی موجود در میان بینش مدیران بگوید. او در این نامه نوشت: «...شاید برای شنیدن، این خبر تلخ و دشوار باشد که بسیاری از کسانی که در طول این سال‌ها به مقتضیات طبیعت و ماهیت نظام اداری و رژیم شاهی، در همه سازمان‌های لشکری و کشوری همواره در اقلیت بوده و زیر فشار اکثریت غرب‌گرا یا شرق‌گرا بر این سازمان‌ها به سر می‌برده‌اند، هم‌اکنون در جمهوری اسلامی... دوباره تحت همان اکثریت قرار گرفته‌اند ولی این بار زیر حمایت همه‌جانبه رئیس‌جمهور و فرمانده نیروهای مسلح ... امروز در جمهوری اسلامی با حمایت رئیس‌جمهور و همفکران ایشان در جبهه ملی و نهضت آزادی و با هم‌دستی خلقی‌ها همه‌جا سرکوب می‌شوند که به سرنوش‌ت مؤمنان در جنگ اصحاب اخدود دچار گردند.»

بهشتی در این نامه این‌گونه می‌نویسد: «اگر اداره جمهوری اسلامی به‌وسیله صاحبان بینش دوم را در این مقطع اصلاح می‌دانید، ما به همان کارهای طلبگی خویش بیردازیم و بیش از این شاهد تلف‌شدن نیروها در جریان این دوگانگی فرساینده نباشیم». او همچنین در این نامه از بنه‌آدادن رئیس‌جمهور به مخالفان حاکمیت اسلام گله کرده و از تلاش‌های بنی‌صدر برای حذف مسئله رهبری فقیه در آینده خبر می‌دهد.

هیئتی برای تعیین تکلیف

امام برای بررسی قضائی این موضوع دستور صادر می‌کنند. ایشان در نامه‌ای به اطلاع عموم می‌رساند که برای صیانت کشور و جمهوری اسلامی در این موقع حساس و برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین مطالب زیر ابلاغ می‌شود:

۱- معیار در اعمال نهاده‌ا قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ‌کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست و متخلف به مردم معرفی می‌شود و مورد مواخذه قرار می‌گیرد. بنابراین، دخالت هریک از مقامات در امور مربوط به مقامات دیگر برخلاف قانون است و دخالت‌کننده به مردم معرفی می‌گردد.

۲- مقامات فعلی، ریاست‌جمهوری، دولت، ریاست دیوان عالی، دادستانی کل کشور، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قانونی می‌باشند و کسی حق ندارد در مصاحبه‌ها و نطق‌ها و رسانه‌ها به یکی از این مقامات توهین و یا آنان را تضعیف نماید؛ و متخلف به ملت معرفی و مورد مواخذه قرار می‌گیرد.

۳- به همان نحو که آقای رئیس‌جمهور را به فرماندهی کل قوا منصوب نمودم، باید ایشان را به این مقام بشناسند و فرماندهان قوای مسلح از ایشان بر طبق مقررات اطاعت کنند.

۴- شورای دفاع به‌نحوی‌که در قانون اساسی است، مامور می‌شود و نمایندگان این‌جانب آقای خامنه‌ای «۱» و آقای چمران «۲» می‌باشند.

۵- مسائل دفاع در شورا مطرح و رسیدگی می‌شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند.

۶- برای رسیدگی به شکایات نسبت به مسائل جنگ و سایر مسائل مورد اختلاف بین مقامات جمهوری اسلامی، هیئتی تعیین خواهد شد مرکب از یک نماینده از طرف رئیس‌جمهور و یکی از طرف دیگر و یکی از سوی این‌جانب که کوشش در حل شکایات نمایند و رای اکثریت هیئت مذکور معتبر است؛ و در صورت تخلف یکی از مقامات، باید متخلف را به مردم معرفی کنند و مورد مواخذه قرار گیرد.

۷- چون در سخنرانی‌های رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، گروه‌های منفر و مخالف با جمهوری اسلامی توطئه کرده و موجب فساد می‌شوند، ایشان تا پایان جنگ تحمیلی سخنرانی نکنند. مصاحبه‌های سالم و سازنده و ارشادی مانع ندارد.

۸- از آنجا که روزنامه‌ها و رادیو – تلویزیون عاملی مهم برای ارشاد یا تفرقه و نفاق هستند، هیئت سه‌نفری فوق، آنها را دقیقاً مورد بررسی قرار می‌دهند و درصورتی‌که دو نفر از هیئت مذکور، آنها را مضر تشخیص دهند، مراتب را به مردم ابلاغ و به دادستانی کل کشور اطلاع می‌دهند تا به وظیفه قانونی عمل کند.

۹- اکیدا از مقامات رسمی خواستارم تا با کمک یکدیگر مشکلات کشور را حل نمایند و برادرانه با یکدیگر همکاری نمایند.

۱۰- انمه جمعه و جماعات- ایدهم الله تعالی-

در خطبه‌ها و منابر و سایر گویندگان کوشش فرمایند که آرامش در کشور برقرار باشد و از هر سخنی که موجب نگرانی مردم و تفرقه‌شود خودداری نمایند و مردم را در پشتیبانی از ملت و تمام ارگان‌های جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی و قوای مسلح و مردمی تشویق فرمایند.»

پس از این اتفاقات بود که امام خمینی هیئتی سه‌نفره برای مشخص‌شدن دلایل این اتفاق تشکیل دادند که این هیئت در ۱۲ خرداد سال ۶۰، قانون‌شکنی ابوالحسن بنی‌صدر را علت اختلافات ۱۴ اسفند سال ۵۹ دانست که او این رای را رد کرد. چندی بعد، امام خمینی نیز در سخنرانی خود گفتند: «قانون معین شده است. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد.»

چرخ روزگار اما چنان چرخید که مجلس اول اکثریت حزب جمهوری اسلامی را داشت و در ۳۱ خرداد ۶۰ رای به برکناری بنی‌صدر داد. دو روز بعد محمد حسینی‌بهشتی، محمدعلی ربیایی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی اعضای شورای موقت ریاست‌جمهوری را تشکیل دادند. اما پنج روز بعد بهشتی در بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به همراه ۷۲ نفر دیگر به شهادت رسید. حادثه‌ای که سازمان منافقین مسئولیت آن را پذیرفت، همان سازمانی که از برگزارکنندگان میتینگ دانشگاه تهران بود.

ریاست‌جمهور

بازوبفروش‌ها در منگنهٔ بازار

● سازنده‌ها و فعالان ساختمانی در میانه پاییز امسال، از محل دو بازار مرتبط با بازار ملک تحت فشار بودند و همین موضوع سبب شد این گروه نسبت به آینده بازار ساخت‌وساز بدبین شوند... بررسی‌ها نشان می‌دهد تمایل مالکان به عرضه واحدهای کلنگی برای اجرای پروژه‌های مشارکتی با قیمت‌های گذشته سبب شده تا در شرایطی که بازار زمین طی ماه‌های اخیر با ثبات قیمت و حتی تا حدودی کاهش قیمت مواجه شده، سازنده‌ها به‌نوعی از ارائه پیشنهاد به مالکان عقب‌نشینی کنند. در نتیجه میزان آغاز پروژه‌های ساختمانی جدید به‌شدت افت داشته است؛ اما پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی مدیران ساختمانی درخصوص وضعیت دیگر پارمترهای تأثیرگذار بر بازار مسکن نشان می‌دهد موجودی مواد اولیه با لوازم خریداری‌شده در یک روند نزولی نسبت به ابتدای فصل پاییز قرار گرفته است. دو گمانه اولیه از چرایی کاهش موجودی مواد در انبار وجود دارد؛ نخست آنکه بخش زیادی از فعالان ساختمانی نگرانی از تأخیر در تکمیل یا آغاز پروژه‌های ساختمانی در ماه‌های باقی‌مانده از سال جاری ندارند....

انتظ

خودکرده را تدبیر نیست

عباس عیدی، خبر روتیزر دربار کشته‌شدن هزارو ۵۰۰ نفر در حوادث ایران به کلی معادلات سیاست خبری رسمی کشور را به هم ریخت. در واقع بهتر است بگوییم معادلات بی‌خبری را به هم ریخت و یک بار دیگر نشان داد که چگونه یک جامعه از بی‌اعتباری نهاد رسانه‌ای خود ضربه می‌خورد. خیلی‌ها می‌توانند خبر روتیزر را نقد کنند، ولی این کار را انجام نمی‌دهند، زیرا چنین خبری از دو حال خارج نیست یا به‌طور تقریبی درست است یا به‌طرز معنادار و فاحشی نادرست است... چرا باید اخبار ایران را دیگران و به نام منابع مطلع و ناشناخته بازتاب دهند؟ یک بار دیگر به دستورالعمل‌ها یا توصیه‌های ابلاغ‌شده به مطبوعات در طول این حوادث مراجعه کنید، پاسخ روشن می‌شود؛ بنابراین خودکرده را تدبیر نیست. آن روزی که دادستان کل گاه می‌گوید تعداد از نمی‌دانم، گاه عدد دیگران را تکذیب می‌کند و گاه با اعتمادبه‌نفس می‌گوید که افراد خارجی دسترسی به آمان ندارند یا اعلام می‌شود که تعداد را دادستانی می‌گوید، ولی هیچ‌گاه عدد و رقمی گفته نمی‌شود... باید فکر چنین روزی را می‌کردند... گمان می‌کنند بی‌محروم‌کردن دیگران از حق دسترسی به اطلاعات می‌تواند خیال خود را راحت کنند، درحالی‌که دیگران نیز به هر طریقی شده خبر را با به دست می‌آورند یا جعل می‌کنند یا به تقریب حدس می‌زنند... متأسفانه مسئله این است که در ساختار کنونی رسانه‌ای کشور ممکن نیست که چنین اطلاعاتی تولید و منتشر شود؛ بنابراین از اطلاع ثانوی باید هزینه این انسداد رسانه‌ای را بپردازند. این تصمیمی است که در داخل گرفته شده است به این معنا که مرجعیت رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی را به خارج از کشور برده‌اند؛ بنابراین خودکرده را تدبیر نیست.

کیان

برنامه بلوا حتی به قیمت جان ۱۵۰ هزار نفر

محمد ایمانی،... خبرگزاری روتیزر که بازی عملیاتی M۱۶ محسوب می‌شود، در مطلبی سراسر دروغ مدعی شده در اغتشاش اخیر در ایران هزارو ۵۰۰ نفر کشته شده‌اند. به شهادت تاریخ، برای صهیونیسم مسیحی تفاوتی نمی‌کند که برای موفقیت یک کودتا یا آشوب در ایران یا کشوری دیگر، ۱۵۰ نفر کشته شوند یا هزارو ۵۰۰ و یا ۱۵ هزار نفر. حتی اگر ۱۵۰ هزار نفر هم قربانی شوند، آنها درشان نمی‌آید. مگر در عراق و افغانستان و سوریه و فلسطین و یمن و بحرین، بی‌واسطه یا باواسطه، چند میلیون انسان را نکشتند یا آواره نکردند؟ منطق آنان، این‌بات‌کردن منطقه یا کمک پول‌پول کثیف سعودی و جمع‌آوری ارادل و ابوابش منطقه شامل قاتلان خاشع‌چی، حزب بعث عراق، گروهک تروریستی منافقین (قاتلان ۱۷ هزار شهروند ایرانی)، داعش و فالانژیست‌هاست. سرانگشتان این پروژه خوئین‌را باید به دقت شناسایی و قبل از ارتکاب هر خیانت جدیدی، بی‌ملاحظه قطع کرد.

روز

تحرك دولت با مجلس تراز

عباس سلیمی‌نمین،...ملت امروز مجلسی می‌خواهد که شناخت لازم نسبت به قوه مجریه داشته باشد و بتواند با این شناخت ایرادهای دولت را برطرف سازد، لذا باید به‌طور جدی از اینکه نیروهای تندرو به مجلس گسیل داده شوند، اجتناب کنیم. هر دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب باید دقت کنند نیروهای تندرویی که در تعاملات بین سه قوه ایجاد اخلال کرده و روابط را کند می‌کنند، به مجلس راه پیدا نکنند؛ بلکه نیروهایی وارد مجلس شوند که صاحب فکر و اندیشه باشند و به‌دلیل دوربودن از آفات از جمله در قید قدرت نبودن، نظارت لازم را بر دولت اعمال کنند؛ بنابراین شکل‌گیری یک مجلس قوی که جایگاه خود را در مناسبات بین سه قوه ارتقا دهد، قادر خواهد بود برخی از ضعف‌های سایر قوا را هم برطرف سازد و در این مسیر دستاورد بیشتری از آن ملت خواهد شد.

خبر به وقت شرق



به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily